

بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با گرایش به فرار از خانه نوجوانان دختر

رئوف احمدیان^۱، حکیمه کریمی نژاد^۲، آیت‌الله فتحی^۳

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه روانشناسی تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۳ دکتری روانشناسی دانشگاه تبریز و استادیار پژوهشی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا

نویسنده مسئول:

رئوف احمدیان

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۲۵-۳۱

چکیده

امروزه فرار و بی‌خانمانی نوجوانان و جوانان یکی از مسائل بسیار مهم می‌باشد و نیازمند توجه جدی است. متأسفانه در این رابطه تحقیقات زیادی در کشور ما صورت نگرفته است، به این دلیل، مقاله حاضر مبتنی بر پژوهشی می‌باشد که هدف اصلی آن بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با میزان گرایش به فرار در نوجوانان دختر است. روش این پژوهش از نوع همبستگی توصیفی است. جمعیت این پژوهش، همه دانش‌آموزان دختر پایه دوم دبیرستان در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ در شهر تبریز بوده که تعداد کل آن‌ها حدود ۱۲۰۰۰ نفر است. از این تعداد، ۳۷۲ نفر به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای تصادفی انتخاب شد و دو پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری یانگ و پرسشنامه گرایش به فرار اجرا شد و داده‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین زیرمقیاس سبک‌های فرزندپروری یانگ با گرایش به فرار نوجوانان از خانه با $(R=802)$ همبستگی معناداری وجود دارد و سبک‌های فرزندپروری یانگ می‌تواند ۶۴ درصد از واریانس گرایش به فرار را توضیح دهد. در کل نتایج داده‌ها نشان داده است که بین باورهای منفی که در اثر سبک‌های فرزندپروری والدین در نوجوانان شکل می‌گیرد با میزان گرایش به فرار آن‌ها از منزل رابطه معنادار وجود دارد.

کلمات کلیدی

گرایش به فرار - نوجوان - سبک فرزندپروری - محرومیت هیجانی - باور منفی

مقدمه

امروزه فرار و بی‌خانمانی نوجوانان و جوانان یکی از مسائل بسیار مهم می‌باشد و نیازمند توجه جدی است. متأسفانه در این رابطه تحقیقات زیادی در کشور ما صورت نگرفته است و تحقیقات صورت گرفته بیشتر از بعد اجتماعی و جامعه‌شناختی می‌باشد. بسیاری از نوجوانان حرکت و گذر از دوره نوجوانی به جوانی را با موفقیت طی می‌کنند، اما جوانان فراری و بی‌خانمان موانع سختی در مسیرشان تجربه کرده و درگیر رفتارهای پرخطری می‌شوند که هویت و اهداف بلندمدتشان را تهدید می‌کند (کرتر، ۲۰۰۰، به نقل از علیوردی‌نیا، عیسی‌پور، حسنی، ۱۳۹۳: ۸۴). فرار از رفتارهای سازش‌ناایافته است که در آن کودک یا نوجوان برای رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به دلیل جاذبه‌های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود، آگاهانه خانه را ترک می‌کند و سریع و بی‌واسطه به خانه بر نمی‌گردد (دمان، ۲۰۰۰، به نقل از مسعودنیا و فلاح، ۱۳۹۳: ۴۲). فرار از خانه یک ناهنجاری است که در اغلب جوامع وجود دارد به طوری که تخمین زده می‌شود هرساله بیش از یک میلیون جوان از خانه می‌گریزند و یک میلیون نیز خانه را ترک می‌کنند یا از خانه رانده می‌شوند (معظمی، ۱۳۸۲: ۵). آمارهای منتشر شده در ایران نیز حاکی از روند رو به رشد این معضل اجتماعی در سطح جامعه می‌باشد (سازمان ملی نوجوانان، ۱۳۸۲: ۴). فرار نوجوان از خانه یک مشکل و معضل حاد و عمومی مبتلا به نهاد خانواده نیست، ولی نمود آشکاری از وجود هاله‌ای عمیق‌تر و پیچیده‌تر به نام مسئله ارتباط نوجوان با والدین است. نوجوان گاه برای رهایی از رنج و ناراحتی، گاه برای مقابله با تنبیه والدین و گاه به دلیل احساس بی‌پناهی و عدم امنیت به چنین اقدامی دست می‌زند (کاویلا، ۲۰۰۱، به نقل از شکیبایی، هدایتی، عدلی و غلامی، ۱۳۹۶: ۸۲). در واقع مشکلاتی مثل: خشونت والدین، جدایی و طلاق، عدم ارتباط اعضا، رقابت با خواهر یا برادرها و عدم توجه خانواده اغلب منجر به ترک خانه می‌شود (شکیبایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۲).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ساخت خانواده دختران فراری ناکارآمد و اغلب دارای هرج و مرج است. به این ترتیب مشکلات موجود در روابط بین والدین فرزندان می‌تواند یکی از علل اصلی فرار فرزندان از خانه محسوب شود (عیسی‌زادگان، امیری و حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۴۵). پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهد که بین شیوه فرزندپروری والدین و رفتارهای سازنده و مخرب فرزندان رابطه معناداری وجود دارد (زارعی، ۲۰۱۰: ۲۲۰). سبک‌های فرزندپروری روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزند خود به کار می‌گیرند که ساخت خانواده دختران فراری ناکارآمد و اغلب دارای هرج و مرج است. به این ترتیب مشکلات موجود در روابط بین والدین فرزندان می‌تواند یکی از علل اصلی فرار فرزندان از خانه محسوب شود (عیسی‌زادگان، امیری و حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۴۵). سبک‌های فرزندپروری روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزند خود به کار می‌گیرند؛ نگرش‌هایی که نسبت به فرزند خود دارند؛ معیارها و قوانینی که برای فرزندانشان وضع می‌کنند (نیکویی و طالعی به نقل از پاکدامن، خامسان، براتی، ۱۳۹۰: ۲۵).

اغلب نوجوانان وقتی که تحت تنیدگی زیاد قرار می‌گیرند، احساس فقدان مهارت‌ها و تدابیر مشخص برای بیان هیجان‌ها و مقابله با استرس‌ها را دارند؛ در نتیجه ارتباط سازنده با دیگر اعضای خانواده برای حل چالش‌ها ضعیف می‌شود و بنابراین در مواجهه با دشواری‌ها از راهبرد فرار از خانه استفاده می‌کنند و بررسی‌ها نشان داده‌اند که توانمند بودن افراد از نظر هیجانی، رویه رو شدن آن‌ها را با چالش‌های زندگی آسان می‌کند (کینگ و امونز، ۱۹۹۰؛ هاسکت و همکاران، ۲۰۱۲، به نقل از شکیبایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۴). هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که سبک‌های فرزندپروری نامیده می‌شود متأثر از مراحل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد (هاردی و همکاران، ۱۹۹۳، به نقل از امیرسرداری و اسمعیلی و خادمی، ۱۳۹۴: ۱).

یانگ به نه سبک فرزندپروری اشاره کرده است: ۱- سبک محرومیت هیجانی: این سبک اشاره به رفتارهای والدین دارد که تربیت هیجانی مناسبی برای کودک فراهم می‌آورند یا اینکه کودک را از تربیت هیجانی محروم می‌نمایند. ۲- سبک بیش‌حمایتگر: اشاره به حمایت بیش از حد از کودک، نگرانی افراطی در خصوص وی یا اینکه بی‌توجهی به نیازهای اوست. ۳- سبک سرزنش‌گر: اشاره به رفتارهای تحقیرکننده، رهاکردن کودک، احساس نقص و شرم و یا تحسین و تشویق کودک دارد. ۴- سبک کمالگرا: در این سبک انتظار والدین از کودک به همان اندازه است که از خودشان انتظار دارند و یا اشاره به معیارهایی راحت و آسان دارد که برای فرزندانشان در نظر دارند. ۵- سبک بدبین/ بیمناک: اشاره به والدینی دارد که اجازه استقلال و تصمیم‌گیری را به کودک می‌دهند یا با کنترل بیش‌ازحد استقلال را از او سلب می‌کند. ۷- سبک بازدارنده هیجانی: اشاره به توانایی یا ناتوانی والدین در تقسیم احساساتشان با فرزندشان دارد. ۸- سبک تنبیه‌گر: اشاره به طیفی از تنبیه کردن یا نکردن فرزند به‌خاطر اشتباهاتش دارد. ۹- سبک مشروط/ خودشیفته: اشاره به توجه مثبت نامشروط والدین به کودک یا توجه مشروط دارد که این توجه به موفقیت فرزند بستگی دارد (شفیلد و همکاران، ۲۰۰۵، به نقل از امیرسرداری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳).

تحقیق اردلان نشان داد که عواملی چون طلاق، اعتیاد، آزار و خشونت، فقر و برآورده نشدن نیازهای مالی و رفاهی، نداشتن آزادی‌های مختلف در زمینه تحصیلی، ازدواج، نحوه پوشش و رفت و آمد، تشویق شدن توسط دوستان و طرد و غفلت در خانواده، در فرار دختران دخیل بوده است (اردلان، سیدان، ذوالفقاری، ۱۳۸۷). تحقیق حقیقت دوست نشان داد که در فرار دختران از بین عوامل خانوادگی و اجتماعی، عامل خانواده نقش مهم‌تری از سایر عوامل داشته است؛ نیز عمده‌ترین علت از بین عوامل خانوادگی به ترتیب جدایی والدین، نابسامانی‌های خانوادگی، اعتیاد یکی از والدین به‌ویژه پدر و سوءرفتار برادر بزرگتر یا خواهران قلمداد شده است (حقیقت‌دوست، ۱۳۸۳).

نتیجه تحقیق شکیبایی و همکاران حاکی از این است که با توجه به جایگاه کودکان و نوجوانان در شکل‌گیری آینده کشور به عنوان منابع انسانی توجه کافی صورت نپذیرفته است و خانواده‌ها با استفاده از سبک فرزندپروری غلط زمینه را برای فرار کودکان مهیا می‌کنند (شکیبایی و همکاران، ۱۳۹۶).

نتایج تحقیق افراسیابی و عرب مقدم نشان داد که متغیر نابسامانی خانواده، مهم‌ترین متغیر مرتبط با گرایش نوجوانان به فرار از خانه است (افراسیابی، عرب‌مقدم، ۱۳۹۰). نتایج تحقیق میرزمانی و همکارانش حاکی از این است که مشکلات خانوادگی از جمله درگیری‌ها و تنش‌های موجود در خانواده، طلاق والدین، نداشتن سرپرست یا بدسرپرستی، باعث انتخاب فرار از خانه به عنوان راه‌حل مشکلات شده است (میرزمانی، کاووسی، بشارت، ۱۳۸۳). نتایج تحقیق لیو^۱ حاکی از این است که پیگیری والدین بعد از فرار نوجوانان از خانه و نوع رفتار آنان در اولین برخورد پس از بازگشت این نوجوانان به خانه، در ماندگاری آنان در خانه و سازگاری با والدین تاثیر دارد (لیو، ۲۰۰۶). نتایج تحقیق تایلر و برسانی^۲ نشان داد که وضعیت اقتصادی-اجتماعی، نژاد، قومیت و نظارت، به طور جالب توجهی در کاهش میزان فرار از خانه نوجوانان نقش دارد (تایلر و برسانی، ۲۰۰۸). نتایج تحقیق زارعی حاکی از این است که بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و رفتارهای سازنده و مخرب فرزندان به دلیل نقش برجسته و بااهمیت والدین رابطه معنادار وجود دارد (زارعی، ۲۰۱۰). در این مقاله سعی شده است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با گرایش به فرار دانش‌آموزان دختر دوره دوم دبیرستان شهرستان تبریز رابطه‌ای وجود دارد؟ هم چنین آیا بین خرده مقیاس شیوه‌های فرزندپروری یانگ مانند شیوه سرزنش‌گر، کمالگرا، بدبین و... با گرایش به فرار از خانه رابطه وجود دارد؟

روش تحقیق

این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش دانش‌آموزان دختر پایه دوم دبیرستان ساکن در شهر تبریز می‌باشد. این گروه سنی به این دلیل انتخاب شده است که بر اساس تحقیقات پیشین بیشترین تعداد فرار در این سن رخ داده است. حجم جامعه آماری ۱۲۰۲۴ نفر می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش تلفیقی از چندمرحله‌ای و تصادفی است. بر این اساس ابتدا از بین ۵ ناحیه آموزشی شهر تبریز ۲ ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شد و از درون هر ناحیه ۳ دبیرستان دختر به صورت تصادفی انتخاب شده و از درون هر دبیرستان دو کلاس دوم دبیرستان به تصادف انتخاب شده و پرسشنامه در این کلاس‌ها اجرا شد. تعداد اعضای نمونه از طریق فرمول کوکران برابر با ۳۷۲ نفر به دست آمد.

داده‌های مورد نیاز در این مطالعه به کمک دو پرسشنامه گردآوری شد. پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری یانگ است. سوالات این پرسشنامه بازتابی از محیط دوران کودکی است با این حال احتمال دارد کودک محیط مرتبط با طرحواره خاص را تجربه کند اما طرحواره خاص هرگز در ذهن کودک شکل نگیرد که این امر ممکن است به دلایلی چون خلق و خوی وی باشد که مانع از شکل‌گیری طرحواره خاص شده، یا در غیر اینصورت یکی از والدین یا یکی از افراد مهم زندگی فرد نقص محیط را جبران کرده است (یانگ، ۱۳۹۱)، به نقل از امیرسرداری و همکاران، ۱۳۹۵). پرسشنامه فرزندپروری یانگ برای شناسایی ریشه‌های هفده باور اصلی منفی در نظر گرفته شده است. این پرسشنامه خودگزارشی متشکل از ۷۲ عبارت است که افراد ممکن است برای توصیف پدر و مادر خود از آن استفاده کنند. هر اظهارنظری منعکس‌کننده رفتارهای فرزندپروری است مرتبط با یکی از ۱۷ باور منفی (طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۳) زیر هستند: ۱- محرومیت هیجانی^۴ (به معنی این که نیازهای عاطفی یک فرد توسط دیگران برآورده نمی‌شود) ۲- رهاکردن^۵ (روابط نزدیک همیشه پایان خواهد یافت) ۳- بی‌اعتمادی/ بدرفتاری^۶ (اشاره به این باور دارد که: فردی که تحت سواستفاده یا بدرفتاری توسط دیگران قرار می‌گیرد) ۴- آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری^۷ (به معنی فردی که کنترلی بر تهدیدات، بیماری یا فاجعه ندارد)؛ ۵- نقص/شرم^۸ (اشاره به این باور دارد که در آن فرد ذاتاً ناقص است)؛ ۶- شکست^۹ (فردی که توانایی موفقیت ندارد)؛ ۷- اطاعت^{۱۰} (نظرات، خواسته‌ها و احساسات یک فرد به همان اندازه نظرات، خواسته‌ها و احساسات دیگران مهم نیستند)؛ ۸- ایثار^{۱۱} (فردی که همیشه باید دیگران را در اولویت قرار دهد)؛ ۹- وابستگی/ بی‌کفایتی^{۱۲} (فردی که مستقل نیست و نمی‌تواند از عهده کارهای روزانه برآید) ۱۰- معیارهای

1.Liu

2.Tiler, Bersani

1.Early MaLadaptive Schemas

2.Emotionally depriving

3.Abandonment

4.Mistrust/Abuse

5. Valnerability to harm or illness

6.Defectiveness/Shame

7. Failure

8.Subjugation

9. Self- sacrifice

10. Incompetence

سرسختانه^۱ (فردی که باید به استانداردهای بالای غیرممکن دست یابد)؛ ۱۱- استحقاق^۲ (فردی که بدون توجه به دیگران خود را مستحق هر چیزی می‌داند)؛ ۱۲- خویشن‌داری/نظم و انضباط درونی ناکافی^۳ (فردی که قادر به کنترل تکانش‌ها و یا احساسات خود نیست)؛ ۱۳- خود تحول‌نیافته^۴ (به معنی فقدان هویت، در نتیجه درگیری عاطفی بیش از حد با دیگران)؛ ۱۴- منفی‌نگری/ بدبینی^۵ (هیچ چیز هرگز به گونه‌ای که فرد می‌خواهد پیش‌نمی‌رود)؛ ۱۵- بازداری هیجانی^۶ (فرد باید احساسات خود را پنهان کند)؛ ۱۶- تنبیه^۷ (فرد همیشه مجازات خواهد شد)؛ ۱۷- پذیرش جویی^۸ (تمایل مداوم برای تایید شدن از سوی دیگران است) هر یک از ۷۲ مورد مورد در دو مقیاس (پدر و مادر) شش نقطه ای لیکرت طیف گذاری می‌شوند (شفیلد، ۲۰۰۵، به نقل از از امیرسرداری ، ۱۳۹۵). خصیصه‌های روانسنجی این مقیاس را پس از تحلیل عاملی این گونه نشان داده‌اند که آلفای کرونباخ با دامنه ۰/۷ الی ۰/۹ نشان داده شد. همچنین، نتایج بازآزمایی بیانگر اعتبار بالا بود و اعتبار سازه در حد قابل قبولی بود. در ایران فرم اصلی این پرسشنامه توسط صلواتی ترجمه شده و سپس در ۶۰ دانشجوی ایرانی اجرا گردیده است، با استفاده از روش دونیمه سازی، برای فرم مادر ضریب اعتبار ۰/۶۹ و برای فرم پدر ضریب اعتبار ۰/۸ به دست آمد، نتایج تحقیق امیرسرداری و همکاران نشان داد که پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری یانگ ابزار مناسبی برای سنجش سبک‌های فرزندپروری در جامعه ایرانی می‌باشد (امیرسرداری و همکاران، ۱۳۹۳).

پرسشنامه دوم که گرایش به فرار را می‌سنجد، محقق ساخته است. جهت ارزیابی میزان روایی از روایی صوری^۹ استفاده شد؛ بدین معنی که گویه‌ها به کار گرفته شده در پرسشنامه‌ها در اختیار اساتید روانشناسی و جامعه‌شناسی قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا نظر خود را اعلام کنند. جهت ارزیابی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضریب در پرسشنامه بیش از ۰/۷ به دست آمد. یافته‌ها تحقیق با استفاده از SPSS نسخه ۲۵ به روش همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

در جدول شماره ۱، میانگین و انحراف معیار طیف‌ها و گویه‌ها آمده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار

طیف ها	میانگین	انحراف معیار
گرایش به فرار	۶۴/۱۸	۳۵/۹۹
محرومیت هیجانی	۲۶/۸۸	۱۳/۱۵
رها کردن	۱۲/۵۳	۵/۰۴
بی اعتمادی/ بد رفتاری	۱۲/۵۳	۲/۷
آسیب پذیری نسبت به ضرر	۳۳/۳۶	۷/۱
نقص / شرم	۱۶/۹۲	۱۰/۶۹
شکست	۱۲/۹۹	۷/۷۷
اطاعت	۱۷/۳۳	۱۰/۰۹
ایثار	۱۹/۷۸	۶/۴۷
وابستگی/ بی‌کفایتی	۱۴/۹	۸/۲۹
معیارهای سرسختانه	۴۳/۳۷	۱۳/۲۴
استحقاق	۲۱/۶۴	۸/۰۲
نظم و انضباط درونی ناکافی	۱۸/۱۱	۷/۱
خود تحول نیافته	۲۵/۳۴	۸/۷
منفی‌نگری/ بدبینی	۲۲/۳۷	۱۰/۵۶
بازداری هیجانی	۳۲/۶۲	۱۱/۲۷
تنبیه	۱۶/۹۵	۸/۸۴
پذیرش جویی	۳۰/۸۶	۱۱/۱۹

11. Unrelenting Standards

۱2. Entitlement

۱3. Insufficient self- control- discipline

۱4. Undeveloped self

۱5. Negativity/Pessimism

1. Emotional Inhibit

2. Punitiveness

3. Approval- Seeking

4. Facial validity

ارتباط متغیرهای مستقل با میزان گرایش به فرار از خانه از طریق رگرسیون چندگانه به صورت همزمان مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۲: خلاصه مدل تحلیل رگرسیون

شاخص	R	^۲ R	تعدیل شده ^۲ R	خطای استاندارد	F	سطح معنی داری
۱	۰/۸۰	۰/۶۴	۰/۶۲	۲۱/۸۱	۲۹/۰۲	۰/۰۰۰

جدول شماره ۳: نتایج آزمون رگرسیون چندگانه گرایش به فرار از خانه

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	سطح معناداری
	b	خطای استاندارد			
ثابت	-۱۶/۲۳۸	۱۴/۳۶۶		-۱/۱۳۰	۰/۲۵۹
محرومیت هیجانی	۱/۹۷۲	۰/۱۷۲	۰/۷۶۹	۱۱/۴۳۵	۰/۰۰۰
رها کردن	-۰/۵۶۸	۰/۴۰۹	-۰/۰۸۴	-۱/۳۸۸	۰/۱۶۶
بی اعتمادی/بدرفتاری	-۱/۲۳۳	۰/۵۷۵	-۰/۱۰۶	-۲/۱۴۵	۰/۰۳۳
آسیب پذیری نسبت به ضرر	۰/۱۲۷	۰/۳۵۹	۰/۰۲۳	۰/۳۵۴	۰/۷۲۴
نقص/شرم	۰/۷۶۸	۰/۲۴۰	۰/۲۴۴	۳/۲۰۱	۰/۰۰۲
شکست	-۰/۷۷۰	۰/۳۰۲	-۰/۱۷۷	-۲/۵۴۵	۰/۰۱۱
اطاعت	۱/۲۷۰	۰/۲۱۰	۰/۳۷۶	۶/۰۴۲	۰/۰۰۰
ایثار	۰/۸۱۶	۰/۲۵۵	۰/۱۵۵	۳/۱۹۴	۰/۰۰۲
وابستگی/بی کفایتی	-۰/۷۰۰	۰/۲۰۰	-۰/۱۶۸	-۳/۴۹۲	۰/۰۰۱
معیارهای سرسختانه	۰/۱۷۱	۰/۱۳۵	۰/۰۶۴	۱/۲۶۶	۰/۲۰۷
استحقاق	-۰/۴۲۱	۰/۱۹۱	-۰/۰۹۷	-۲/۲۰۳	۰/۰۲۸
نظم درونی ناکافی	۰/۵۷۶	۰/۲۰۸	۰/۱۲۳	۲/۷۶۳	۰/۰۰۶
خود تحول نیافته	-۰/۱۴۸	۰/۲۴۲	-۰/۰۳۵	-۰/۶۱۳	۰/۵۴۱
منفی نگری/بدبینی	-۰/۶۱۵	۰/۲۱۳	-۰/۱۸۶	-۲/۸۹۲	۰/۰۰۴
بازداری هیجانی	۰/۲۶۷	۰/۱۶۰	۰/۰۸۵	۱/۶۶۷	۰/۰۹۷
تنبیه	-۰/۱۹۸	۰/۲۵۳	-۰/۰۵۱	-۰/۷۸۲	۰/۴۳۵
پذیرش جویی	۰/۴۲۸	۰/۲۳۵	۰/۱۳۴	۱/۸۱۹	۰/۰۷۰

چنانکه یافته‌ها نشان می‌دهد (جدول ۲)، باورهای منفی سبک فرزندپروری یانگ به صورت همزمان ۶۴ درصد از واریانس میزان گرایش به فرار را توضیح می‌دهد و از میان متغیرهای پژوهش که به صورت همزمان در آزمون رگرسیون چندگانه وارد شده‌اند، متغیر محرومیت هیجانی با ضریب همبستگی ۰/۷۶۹ بیشترین همبستگی را با گرایش به فرار دارد و و هم‌چنین رابطه‌ای مثبت بین دو متغیر وجود دارد و این رابطه در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار می‌باشد.

بعد از محرومیت هیجانی به ترتیب، اطاعت، شرم/ نقص، بدبینی، شکست، وابستگی/ بی کفایتی، ایثار، نظم و انضباط درونی ناکافی، بی- اعتمادی، استحقاق و بزرگ منشی بیشترین ضریب همبستگی و ضریب تعیین را دارند. این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. بین پذیرش جویی، رها کردن، تنبیه، آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، و خود تحقق نیافته و معیارهای سرسختانه، بازداری هیجانی، با گرایش به فرار رابطه معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری یانگ با گرایش به فرار از خانه در نوجوانان دختر انجام شد. نتایج نشان داد که بین زیر مقیاس‌های سبک فرزندپروری یانگ با گرایش به فرار نوجوانان از خانه همبستگی معناداری وجود دارد و سبک‌های فرزندپروری یانگ می‌توانند ۶۴ درصد از تغییرات گرایش به فرار را توضیح دهد که درصد قابل توجهی است. زیرمقیاس‌های محرومیت هیجانی، اطاعت، شرم/نقص، بدبینی، شکست، وابستگی/بی‌کفایتی، ایثار، نظم و انضباط درونی ناکافی، بی‌اعتمادی، استحقاق و بزرگ منشی به ترتیب بیشترین همبستگی را با گرایش به فرار دارند و می‌توانند درصدهایی از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. در این میان، بی‌اعتمادی، وابستگی، شکست، استحقاق و بزرگ‌منشی، بدبینی رابطه منفی با گرایش به فرار در نوجوانان دارند، یعنی با افزایش میزان این باورها میزان گرایش به فرار کاهش می‌یابد. طبق بررسی‌های انجام شده پژوهشی که مشخصاً نقش سبک‌های فرزندپروری یانگ در گرایش به فرار از منزل را بررسی کرده باشد یافت نشد اما نتیجه پژوهش حاضر در خصوص نقش معنادار عوامل خانوادگی را می‌توان با نتایج پژوهش‌های افراسیابی، عرب مقدم (۱۳۸۹) و شکیبایی و همکاران (۱۳۹۶) و حقیقت دوست (۱۳۸۳) و موسوی میرک (۱۳۸۴) و زارعی (۲۰۱۰) همسو دانست.

همبستگی معنادار محرومیت هیجانی با گرایش به فرار با نتایج پژوهش‌های جعفری و همکار، همسو است که نشان می‌دهد که در سه مولفه از سبک کنترل هیجانی و نیز در تمام مولفه‌های سبک ابرازگری هیجانی دختران عادی به‌طور میانگین نمرات بالاتری را نسبت به گروه دختران فراری از خانه به‌دست آوردند (جعفری و همکار، ۱۳۹۳، به نقل از شکیبایی و همکاران، ۱۳۹۶).

رابطه معنادار احساس شرم و نقص با گرایش به فرار در نوجوانان با پژوهش اردلان و همکاران همسو است که نشان می‌دهد، احساس بی‌قدرتی و بی‌هنجاری از عوامل موثر بر فرار دختران از منزل بوده است (اردلان، سیدان، ذوالفقاری، ۱۳۸۷). و هم چنین با نتایج پژوهش موسوی میرک (۱۳۸۴) همسو است که نشان می‌دهد در نگرش نسبت به خود با گرایش به فرار رابطه معنادار وجود دارد.

رابطه معنادار زیر مقیاس سبک فرزندپروری اطاعت و بدبینی با گرایش به فرار در نوجوانان را می‌توان با نتایج پژوهش کاویلا همسو است که بیان می‌کند: فرار نوجوان از خانه یک مشکل و معضل حاد و عمومی مبتلا به نهاد خانواده نیست، ولی نمود آشکاری از وجود هاله‌ای عمیق‌تر و پیچیده‌تر به نام مسئله ارتباط نوجوان با والدین است. نوجوان گاه برای رهایی از رنج و ناراحتی، گاه برای مقابله با تنبیه والدین و گاه به دلیل احساس بی‌پناهی و عدم امنیت به چنین اقدامی دست می‌زند (کاویلا، ۲۰۰۱، به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۳) هم چنین همسو با نتایج تحقیق والکر^۱ (۱۹۷۵) است که نشان داد دختران فراری از والدین خود حمایت کم‌تری دریافت می‌کنند.

به اعتقاد اکثر روانشناسان و جامعه‌شناسان، ریشه اصلی آسیب‌های اجتماعی در خانواده است، زیرا خانواده به عنوان کوچکترین اجتماع بشری است که عناصر آن به شدت به هم وابسته‌اند و اگر در این سیستم مشکلی ایجاد شود، در کل سیستم دگرگونی ایجاد می‌شود. بنابراین همیشه سازگاری و تفاهم بین اعضا برای کارکرد بهتر حل مسئله ضروری است (مسعودنیا، ۱۳۹۳). واژه خانواده تداعی کننده مکانی است که اعضا بتوانند در آرامش و امنیت کامل زندگی مسالمت آمیزی با یکدیگر داشته باشند. مهم‌ترین و ارزشمندترین نقش خانواده، تامین محبت عمیق بین اعضای آن است (معظمی، ۱۳۸۲). وقتی خانواده نتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند، نوجوان دچار باورهای منفی چون محرومیت هیجانی خواهد شد. در این شرایط هر چه هیجان منفی تجربه شده شدیدتر باشد وقوع رفتار ناپخته بیشتر است (برودی و هال، ۲۰۰۰ به نقل از شکیبایی و همکاران، ۱۳۹۶). اگر سبک‌های فرزندپروری که والدین انتخاب و اجرا می‌کنند درست و مناسب نباشد موجب شکل‌گیری باورها و طرحواره‌های منفی خواهد شد که این باورها در آسیب‌های اجتماعی بخصوص فرار از خانه موثر خواهد بود.

منابع

- اردلان، علی، سیدان، فریبا، ذولفقاری، مصطفی (۱۳۸۷). فرار دختران از خانه. مجله علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۹
- افراسیابی، حسین، عرب مقدم، نرگس (۱۳۸۹). مطالعه عوامل مرتبط با گرایش نوجوانان به فرار از خانه. فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۵۱
- امیر سرداری، لیلی، اسمعیلی، احمد، خادمی، علی (۱۳۹۴). کفایت شاخص های روان سنجی پرسشنامه فرزند پروری یانگ. فصلنامه روانشناسی تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن. سال هفتم، شماره اول
- پاکدامن، مجید، خامسان، احمد و براتی، فخرالسادات (۱۳۹۰). نقش سبک های فرزند پروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان (تیزهوش، آهسته گام، عادی). مطالعات روانشناسی تربیتی
- حقیقت دوست، زهرا (۱۳۸۳). عوامل زمینه ساز فرار دختران. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۳
- زارعی، اقبال (۲۰۱۰). بررسی رابطه بین شیوه های فرزند پروری والدین با ارتکاب نوجوانان به رفتارهای پر خطر بر اساس مقیاس کلونینگر. مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره ۱۸، شماره ۳
- سازمان ملی نوجوانان (۱۳۸۲). گزارش ملی نوجوانان ۱۹: بررسی وضعیت فرار از خانواده نوجوانان، تهران: اهل قلم.
- شکيبايي، معصومه، هدايتي، فاطمه، عدلي، مريم، غلامی، فرود (۱۳۹۶). مروری بر علل و پیامد های فرار از منزل در دختران. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره سوم، شماره ۱
- علیوردی نیا، اکبر، عیسی پور، فاطمه، حسینی، محمدرضا (۱۳۹۳). تاثیر دین داری در گرایش دختران به فرار از منزل. پژوهش نامه زنان: پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. شماره ۹ سال پنجم
- عیسی زادگان، علی، امیری، سهراب، حافظ نیا، محمد (۱۳۹۴). مقایسه سبک های فرزند پروری و آسیب های روانی در دختران فراری و عادی. فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال ۹، شماره ۲
- مسعود نیا، ابراهیم، فلاح، مرضیه (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی- خانوادگی موثر بر فرار دختران از منزل در شهر یزد. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، شماره ۱
- معظمی، شهلا (۱۳۸۲). فرار دختران چرا؟، تهران: نشر گرایش
- موسوی میرک، فاطمه (۱۳۸۴). زمینه های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک. فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، شماره ۱
- میرزمانی، سید محمود، کاووسی، روح انگیز، بشارت، محمد علی (۱۳۸۳). ویژگی های زمینه ای دختران و زنان گریزان از خانه تحت پوشش مراکز بازپروری سازمان بهزیستی استان تهران. فصلنامه تازه های روان درمانی، سال نهم، شماره ۳۳ و ۳۴.

انگلیسی

- Liu, S.C. (In Press). Perceived parent-child adjustment in the family reunification among a group of runaway adolescents in Hong Kong. *Journal of Adolescence*. Ride, S. T.(2000). *Crime and Criminology*. U.S.A: McGrawHill.
- Tyler, K.A.& Bersan: B.E (2008) A longitudinal study of early adolescent precursors to running away. *Journal of Early Adolescence*
- Walker, D.K. (1975) *Runaway youth: An annotated bibliography and literature review*. Eric document Reproduction service NO ED 1380